

سند امضاشدهٔ میان عراقچی و گروسی چه اثری روی پروندهٔ هسته‌ای ایران خواهد گذاشت

آنچه از توافق قاهره می‌دانیم



زهره تهرانی
خبرنگار گروه سیاست

همکاری ایران با آژانس دوباره از سر گرفته خواهد شد اما این بار خبری از حسن نیت و همکاری حداکثری برای اثبات صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای ایران در کار نیست و سایه بدبینی به فعالیت‌های آژانس بالای سر فعالیت‌های نظارتی‌اش باقی خواهد ماند.
بمباران س‌ایت‌های هسته‌ای ایران، متأثر از گزارش‌های جهت‌دار آژانس و به تبع قانون مجلس، اساساً امکان ادامه همکاری همانند شرایط پیش از تجاوز را ناممکن کرده است، از آنجا‌که ایران هنوز عضو ان‌پی‌تی است، اجازه ادامه فعالیت‌های نظارتی با تفاوت قابل شدن میان تأسیسات بمباران شده و نشده، در قالب جدید و با صدور اجازه شش‌ماه فراهم خواهد شد. البته وزیر خارجه به این موضوع هم تأکید کرد که برای نظارت بر تأسیسات بمباران شده باید مذاکرات دیگری صورت بگیرد.
ایران اما در تدوین این توافق شش‌رطی را روی میز گذاشته که هم مانعی برای تهدیدات اروپایی‌هاست هم زبان‌های احتمالی برای ایران را کاهش می‌دهد و آن هم این استست که در صورت انجام هرگونه اقدامات خصمانه علیه ایران از جمله اس‌سنپ‌بک، تمام این همکاری ملغی خواهد شد. با این حال هنوز در میان افکار عمومی، نخبگان و برخی صاحب‌نظران این حوزه ابهاماتی در مورد توافق وجود دارد از جمله آنکه آیا تضمینی وجود دارد که شرط ایران مانعی برای فعال‌سازی ماشه باشد، در ازای تعهداتی که ایران آن را اجرایی خواهد کرد آژانس چه امتیازاتی خواهد داد؟ انتظار می‌رود، به انتقادهای فنی مطرح شده پاسخی مناسب داده شود و با رفع این ابهامات، بهانه از افرادی که با غرض‌ورزی، فضای سیاسی را ملتهب می‌کنند، گرفته شود.

تعویق اس‌نپ‌بک درازای بازگشت همکاری

بعد از تجاوز آمریکا به تأسیسات هسته‌ای ایران، تروئیکای اروپا و آژانس پازل این تجاوز را کامل کردند. اروپایی‌ها از لزوم مذاکره با ایران گفتند، تهدید ماشه را روی میز گذاشتند و آژانس نیز که با گزارش‌های جهت‌دار فضا را برای آغاز این تجاوز هموار کرده بود در سکوت کامل از کنار این حمله آشکار عبور کرد و درخواست اجازه بازرسی از تأسیسات هسته‌ای را مطرح کرد، اروپایی‌ها بعد از این تجاوز با روی میز گذاشتن تهدیدات و گزینه‌های مختلف به دنبال اعمال فشار و گرفتن امتیازات حداکثری از ایران بودند. ایران اما با استناد به کارشکنی آژانس، همکاری‌ها را تعلیق کرد. اروپا اما همچنان اعمال فشار به ایران برای فعال‌سازی ماشه را به ش‌روع همکاری با آژانس و مذاکره با ایران

مهدی خا‌نعلی‌زاده: تغییری درمدالیتۀ بازرسی آژانس رخ نداده است

همکاری بس‌ا آژانس باید بر مبنای تعاملی دوجانبه اتفاق بیفتد. آنچه از متن این توافق بیان می‌شود بیشتر این گمانه را تقویت می‌کند که ایران به تعهداتش پایبند خواهد بود، بدون آنکه امتیازی از آژانس بگیرد. این نکاتی است که مهدی خا‌نعلی‌زاده، استاد روابط بین‌الملل در نقد توافق امضا شده میان ایران و آژانس مطرح کرده. خا‌نعلی‌زاده همچنین معتقد است اصل توافق با آژانس نه فنی که صرفاً سیاسی است. در ادامه مش‌روح این گفت‌وگو را از نظر می‌گذرانید.

آژانس یک‌طرفه معاهده ان‌پی‌تی را نقض کرد

اساس شکل گیری آژانس و پیمان ان‌پی‌تی بعد از جنگ جهانی دوم این بود که برای جلوگیری از گسترش سلاح‌های اتمی، یک امتیاز به واحدهای سیاسی و دولت‌ها بدهند که آن‌ها در ازای امتیازاتی که برای توسعه فناوری هسته‌ای می‌گیرند، به سمت تولید سلاح اتمی نروند. برای مثال یک واحد سیاسی که توانایی علمی، تجهیزاتی و فنی توسعه نیروگاه اتمی را ندارد، عضو آژانس می‌شود، معاهده ان‌پی‌تی را می‌پذیرد و ضمن آنکه تعهد می‌دهد به سمت سلاح هسته‌ای ن‌رود از امتیازها، مش‌اوره‌ها و کمک‌های فنی آژانس برای توسعه فضای نیروگاهی‌اش استفاده می‌کند. اتفاقی که بعد از تهاجم نظامی به تأسیسات هسته‌ای ایران رخ داد، به طور کامل و یک‌طرفه این معاهده را از سوی آژانس نقض کرد. آژانس در سال‌های گذشته نه‌تنها سر ویس فنی، کمک کارشناسی و کمک توسعه‌ای به برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای ایران نداشته است، حتی

توافق با آژانس به سود ایران است

به طور کلی این توافق به سود ایران است، اوج خواسته اسرائیل است که ما را هرچه بیشتر منزوی کند و به عنوان خطر بالقوه به بالفعل، نمایان کند. بنابراین بهانه‌زدایی از دست آژانس، اروپایی‌ها، آمریکایی‌ها بود، در ادامه مش‌روح این گفت‌وگو را می‌خوانید.

توافق با آژانس به سود ایران است

به طور کلی این توافق به سود ایران است، اوج خواسته اسرائیل است که ما را هرچه بیشتر منزوی کند و به عنوان خطر بالقوه به بالفعل، نمایان کند. بنابراین بهانه‌زدایی از دست آژانس، اروپایی‌ها، آمریکایی‌ها بود، در ادامه مش‌روح این گفت‌وگو را می‌خوانید.

گروه‌زد. ایران نیز در قالب سه دور مذاکراتی که با آژانس داشت علاوه بر آنکه قالب جدیدی برای همکاری تعریف کرد، ادامه همکاری با آژانس را مش‌روط به عدم انجام اقدامات خصمانه علیه ایران از جمله فعال‌سازی ماشه کرد. گره زدن شش‌روع این همکاری به تنها گلوله تفنگی که اروپا در اختیار دارد، پاسخی مناسب به این تهدیدات بود به این معنی که اگر اروپایی‌ها پازل‌ها را برای اعمال فشار کنار هم می‌چینند و از هر بهانه‌ای برای تسلیم ایران استفاده می‌کنند، ایران نیز می‌تواند از برگ برنده‌ای که در اختیار دارد برای دور کردن این تهدید حداقل به صورت موقت استفاده کند. البته سؤال اصلی همچنان به قوت خود باقی استست که آیا مش‌روط کردن ادامه همکاری با آژانس به عدم فعال‌سازی ماشه می‌تواند مانع چ‌کاندن ماشه و یا به تعویق افتادن آن شود؟

همکاری با فرمی جدید

روشن بود که بعد از تجاوز آمریکا به تأسیسات هسته‌ای ایران، ش‌روع همکاری با آژانس در قالب پیشین امکان‌پذیر نخواهد بود، کارشکنی‌های آژانس، درز گزارش‌های تأسیسات هسته‌ای ایران و قانون مجلس، اجازه ادامه همکاری به شیوه سابق را نمی‌داد، اما عضویت ایران در ان‌پی‌تی، ادامه همکاری را اجتناب‌ناپذیر می‌کرد. براین اساس ایران قالب جدیدی برای همکاری با آژانس

توافق با آژانس سیاسی است

مفاد توافقی که بین ایران و آژانس صورت گرفته است، مجدداً شرایط را به وضعیت قبل از جنگ و تهاجم نظامی به تأسیسات هسته‌ای ایران برمی‌گرداند و این یعنی انجام یک‌طرفه تعهدات ایران. بحثی که آقای بقایا داشتند این بود که ما ذیل پادمان تعهداتی داریم و باید انجام دهیم، این صحبت درستست است اما ناقص است. ایران تا ۲۳ خرداد تعهداتش را انجام می‌داد، الان هم انجام تعهدات ایران باید منسوط به انجام تعهدات آژانس بشود، چون ایران که نمی‌خواهد بمب تولید کند، می‌خواهد ذیل ان‌پی‌تی بماند و طبعاً یک‌سری مسئولیت و یک‌سری امتیاز دارد، بنابراین ما صرفاً در حال انجام مسئولیت‌هایمان هستیم، بدون آنکه از طرف مقابل امتیاز بگیریم. قرارداد اخیر امضا شده، چه با توجه به مفاد و بندهایی که گروسی، مدیر کل آژانس منتشر کرده و چه صحبت‌هایی که شخص آقای وزیر داشتند که این مفاد وجود دارد، هیچ‌کدام نشان‌دهنده تأکید و التزام طرف مقابل به انجام تعهداتش نیست. آیا بندی در این توافق گنجانده شده که کمک و تسهیلگری آژانس برای توسعه فعالیت هسته‌ای ایران را فراهم کند؟ حفاظت از جان دانشمندان اتمی ایران که فعالیت دانشگاهی انجام می‌دهند، آژانس آن‌ها را می‌شناسد، مقالات علمی دارند، کنفرانس بین‌المللی می‌روند و مورد تهدید قرار می‌گیرند، در این توافق وجود دارد؟ آیا تأکید بر اینکه باید حفاظت و جلوگیری از انتقال شش‌عشعات، در اثر آسیب

ساسان کریمی: همکاری با آژانس بهانه را از غرب می‌گیرد

و از همه مهم‌تر رژیم صهیونیستی فی‌نفسه امر مثبتی است. البته با رعایت‌هایی که شش‌ام انجام خواهد داد: طبیعتاً تهدیدی هم نخواهد بود و اساساً کار کردن با سازمان بین‌المللی مجموعاً اولویت دارد و تهدیدی وجود ندارد. پروتکل کلی آژانس برای بازرسی و همچنین پادمانی که با ما امضا کرده است، هیچ‌کدام برای بازرسی از تأسیسات بمباران‌شده پیش‌بینی نشده است. بنابراین مشکل کن‌تینکی اولی که وجود داشت و در این مدت هم در حال رفت و برگشت بین وزارت خارجه و آژانس بود این استست که با چه پروتکلی قرار هست بازرسی از مناطق بمباران‌شده

طهرانچی، رئیس دانشگاه آزاد اسلامی را هم باید، در امتداد حمله مستقیم به اکوسیستم علمی ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی در چهارچوب نظریه «خشونت اپیستمیک Epistemic Violence» تحلیل کرد؛ خشونتی که با حذف فیزیکی یا حرفه‌ای صاحبان دانش، به حذف گفتمان‌های رقیب و تضعیف حافظه جمعی و توان علمی یک تمدن می‌پردازد. تناقض اصلی در اینجا نهفته استست؛ نهادهایی که رسالت خود را دفاع از آزادی بیان می‌دانند، در عمل، با تبدیل نقد صهیونیسم به یک ممنوعه گفتمانی، خود را در تقابل با اصل آزادی‌بیان قرار می‌دهند. این رویکرد به ایجاد امپراتوری رسانه‌ای – گفتمانی می‌انجامد که در آن، یک روایت برجسته شده و روایت رقیب یا حذف می‌شود یا به شیوه‌ای هریمین‌نمایی

می‌شود. نتیجه این فرایند، عادی‌سازی نقض حقوق بشر از طریق سکوت یا بازتعریف مفاهیم است. باتوجه به موارد مذکور به نظر می‌رسد جامعه دانشگاهی جهانی در نقطه عطف تاریخی است و دفاع از آزادی آکادمیک نیازمند اقدامی فراتر از بیانه‌های نمادین است. اتحادیه‌های دانشگاهی باید با کمیته‌های نظارت مستقل، نقض آزادی را مستندسازی و نهادهای ناقض را تحریم کنند و س‌ازمان‌های علمی و پژوهشگران با گ‌رنت‌های تحقیقاتی ویژه (Research Grants)، تأثیر لای‌های و نفوذ قدرت‌های خاص بر دانشگاه‌ها را بررسی کنند. در جهانی که خبرنگاران و دانشگاهیان هدف خشونت آشکار و بی‌سابقه قرار می‌گیرند، محدودیت آزادی بیان تنها یک

نگرانی‌ها به قوت خود باقی است

فارغ از قالب جدید همکاری‌ها با آژانس، نکته اصلی که نباید فراموش کرد این است که آژانس سابقه روشنی در همکاری با ایران ندارد، در موارد متعددی گزارش‌های محرمانه، پیش از تأیید صحت کامل آن در رسانه‌ها منتشر شد که برای ایران، هز پنه‌های بین‌المللی به همراه داشت، آژانس بارها گزارش‌های جهت‌داری علیه فعالیت هسته‌ای ایران منتشر کرد که در تنظیم گزارش‌های تروئیکا علیه فعالیت صلح‌آمیز هسته‌ای مؤثر بود، در آخرین مورد گزارش‌های محرمانه آژانس از فعالیت هسته‌ای ایران درز پیدا کرد و بر مبنای اسنادی که ایران دارد بخشی از آن‌ها در اختیار رژیم صهیونیستی قرار گرفته است. با در نظر گرفتن سابقه تیره آژانس، این نگرانی همچنان وجود دارد که آژانس، بار دیگر دست به این کارشکنی‌ها ب‌زند و شرایط را برای ایران پیچیده‌تر کند، به‌ویژه آنکه دبیر کل آژانس همچنان به خوش‌رقعی برای رسیدن به دبیر کلی سازمان ملل ادامه خواهد داد. بر این مبنای بایست ادامه همکاری با آژانس را با در نظر گرفتن این نگرانی کلیدی تنظیم کرد و سازوکاری برای جلوگیری از تکرار این کارشکنی‌ها در نظر گرفت.

فرصت پرسش به افکار عمومی بدهید

علاوه بر در نظر گرفتن نگرانی‌ها و نقص‌های فنی باید به این موضوع توجه داشت که همچنان ابهامات و س‌سؤالاتی از جانب افکار عمومی در مورد فعال‌سازی ماشه، وجود دارد. در نقطه اول باید پذیرفت که افکار عمومی ابهاماتی در این مورد دارد و در نقطه بعد اجازه طرح این پرسش‌ها داده شود. فراهم کردن فرصت برای بیان س‌سؤالات و ابهامات، شنیدن آن و پاسخ دادن به ابهامات در قالب انتقادهای فنی، هم نقاط قوت و ضعف توافق را روشن می‌کند، هم دورنمای روشنی در اختیار ایران برای دور بعدی مذاکرات خواهد داد. از دل انتقادات متفن و فکت‌محور است که می‌توان نقاط قوت و ضعف توافق را بر مبنای منافع ملی شنید و به ایده‌ای کارآمدتر و تازه‌تر رسید. البته تفاوتی جدی میان نقد فنی با دلیل و برهان و تسویه حساب‌های سیاسی و رفتارهای رادیکال که به دنبال پاک کردن صورت مسئله هستند وجود دارد. تکیه به رفتارهای رادیکال، جز ملتهب کردن فضای سیاسی و تعمین آن به طبقات دیگر جامعه، نتیجه دیگری به همراه نخواهد داشت. ایجاد مجالی برای طرح پرسش‌های عالمانه ضمن آنکه به رسمیت شناختن نگرانی افکار عمومی با در نظر گرفتن سابقه تاریک آژانس است، هم فرصتی برای تضارب آرا ایجاد می‌کند، هم صداهای رادیکال و هزنه‌س‌ماز که بدون در نظر گرفتن منافع ملی، رفتارهایی سیاست‌زده دارند را به حاشیه می‌برد و فضایی هم برای دوقطبی‌سازی در اختیار رادیکال‌ها قرار نمی‌گیرد و جو غالب، به انتقادهای کارشناسانه اختصاص پیدا خواهد کرد.

نظامی به تأسیسات در نظر گرفته شود، در این توافق وجود دارد؟ کمک به بازسازی تجهیزات آسیب‌دیده ایران، بازیابی قدرت و فرصت غنی‌سازی ایران، ارتقای سطح فعالیت نیروگاهی ایران و تحقیق و توسعه در راکتور تهران، جزء این توافق است؟ در مورد صحبت‌های گروسی و عراقچی، چنین چیزی وجود ندارد. علت این است که توافق با آژانس به عنوان یکی از شروط طرف اروپایی، برای انجام مذاکرات سیاسی به منظور جلوگیری از فعال‌سازی مکانیسم ماشه صورت گرفته است. یعنی توافق در مصر که ما با آن ارتباطی نداریم، یک توافق فنی و کارشناسی نیست، بلکه یک توافق سیاسی است. این اتفاق نه برای بازیابی توان هسته‌ای ایران و ارتقای صنعت هسته‌ای که برای کسب یک دستاورد سیاسی امضا شده است، اما به نظر نمی‌رسد حتی دستاورد سیاسی هم برای ما داشته باشد.

یک مورد عجیب فنی

نکته دیگر آنکه اگر یک کپسول گاز و وسیله اشتعال‌زای عادی در هر تأسیسات اتمی در جهان که ذیل ان‌پی‌تی است، منفجر می‌شد قطعاً فرایند نظارت و فعالیت‌های آژانس در آن کشور متفاوت می‌شد، اما الان از توافق آقای گروسی در مصر شاهدیم که بعد از عملیات نظامی علیه تأسیسات هسته‌ای هیچ تغییری در مدالیته، نظارت و فرم بازرسی و گزارش‌دهی اتفاق نیفتاده و این، آن مورد عجیب فنی استست که اتفاق افتاده و در این زمینه مورد توجه قرار دارد.

نمی‌خواهیم انجام دهیم و ان‌پی‌تی را نقض کنیم و به سمت سلاح یا فعالیت‌های غیرقانونی برویم، بنابراین هیچ‌کدام از این بازرسی‌ها برای ما در‌سری تولید نمی‌کند. در‌دسر وقتی تولید می‌شود که شما بخواهید فعالیت فراقانونی انجام دهید؛ ما قصد انجام این اقدام را نداریم، بنابراین دسترسی‌ها در جهت رعایت ایمنی هسته‌ای بیشتر می‌بایست محدود شود و تا امنیت هسته‌ای، اگر نکته امنیتی در مورد احدی از بازرسان آژانس وجود داشت، با آن برخورد می‌شود؛ ولی فی‌نفسه نیازی به بدبینی در این زمینه وجود ندارد و باید به طور عادی کار را انجام دهیم که بهانه‌زدایی شود.

مسئله رسانه‌ای نیست؛ دانشگاه‌ها نیز صحنه اعمال نفوذ و فشار دوگانه هستند، جایی که استانداردها و سختگیری‌ها، گز نبشی اعمال می‌شوند. استادان و پژوهشگران مسئولیت اخلاقی دارند که از طریق مقالات و روشنگری، این دوگانگی‌ها را افشا کنند و مجامع حقوق بشری موظف هستند خشونت علیه استادان دانشگاه و خبرنگاران را پیگیری کنند. بی تردید از طریق «همبستگی آکادمیک متحد و مستند» می‌توان در برابر این الگوی سرکوب ایستادگی کرد و مانع از آن شد که دانشگاه به ابزاری برای توجیه گفتمان مسلط و انحصاری غرب تبدیل شود. حفظ استقلال علمی، سنگ‌بنای هرگونه پیشرفت فکری و اخلاقی برای بشریت است و دفاع از آن، وظیفه‌ای همگانی است.